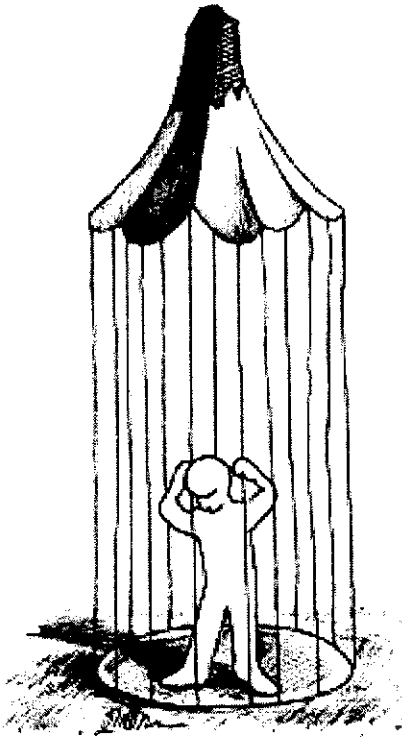


مطبوعات و جرائم مطبوعاتی



طبع می‌رسند، روی کاغذ سفید خواهد بود و سایر اعلانات از هرکس و هر جا روی کاغذ رنگی به طبع می‌رسد».

این مفهوم از مطبوعات بعدها مضیق گشت، به طوری که در قانون مطبوعات ۱۳۳۴ کتاب از محدوده مطبوعات در معنای خاص و نهایتاً از قلمرو قانون مطبوعات خارج گردید.

در ماده یک این قانون، روزنامه و مجله از طریق اهداف انتشار آن‌ها تعریف شده است: «روزنامه یا مجله نشریه‌ای است که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین طبع و منتشر می‌گردد».

مقنن سال ۱۳۳۴ برای این که صراحتاً دامنه و حدود مطبوعات را روشن کند در ماده ۲۸ مقرر می‌داشت: «نشریه‌ای که مشمول ماده اول این قانون نباشد، تعریف روزنامه و یا مجله بر آن صدق نمی‌کند و تابع قوانین عمومی است». بنابراین، می‌بینیم که از سال

دایره مطبوعات محدود شده و سایر مطبوعات در معنای عام، مثل کتاب، جزوه و غیره... از شمول مطبوعات مدنظر قانون مطبوعات خارج می‌شوند.

دفاع از حقوق سایر نوشتجات، چون کتب و احياناً جرائم ارتكابی از طریق آن‌ها، مشمول قوانین دیگر است که از حوصله بحث ما خارج است.

لذا ارائه یک مفهوم دقیق از مطبوعات موردنظر مقنن، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه تا زمانی که تعریف دقیق مطبوعات و حدود و ثغور آن روشن نشود، نمی‌توانیم جرائم مطبوعاتی و مسئولیت جزائی آن را بشناسیم.

قانون مطبوعات سال ۱۲۸۶ شمسی کتب را در ردیف مطبوعات می‌دانست و آن‌ها را مشمول قانون مطبوعات قرار می‌داد.

ماده ۴ این قانون تصریح می‌کرد: طبع کتب متداول غیر از کتب ممنوعه و کتب جدید و غیر از کتب مذهبی آزاد است. این قانون علاوه بر کتب، اعلانات را نیز در ردیف مطبوعات قرار می‌داد و در ماده ۱۹ مقرر می‌داشت: «اعلانات رسمی که از طرف ادارات دولتی به

مبحث اول (تعریف مطبوعات و جرائم مطبوعاتی)

مبنای بحث ما، فصل ششم از قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ است.

این فصل ۱۴ ماده دارد که از ماده ۲۳ شروع و به ماده ۳۶ ختم می‌شود که به «جرائم مطبوعاتی» می‌پردازد. بنابراین، لازم می‌آید قبل از تشریح یکایک این جرائم و مسئولیت‌های جزائی ناشی از ارتکاب این جرائم، ابتدا تعریفی از مطبوعات و جرائم مطبوعاتی داشته باشیم.

۱. تعریف مطبوعات

از نظر لغوی کلمه «طبع» مترادف چاپ است. (۱) مطبوعات هر نوشته‌ای را گویند که به چاپ رسیده باشد.

در معنای عام، مطبوعات شامل هر نوع کتاب، مقاله، جزوه و نوشته‌ای است که به چاپ رسیده باشد؛ اما در معنای خاص، مطبوعات شامل نشریاتی است که به طور منظم و مداوم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف، در موضوعات مختلف انتشار می‌یابد و نیاز به مجوز خاصی دارد که با طی تشریفات خاص اعلام می‌گردد. با توجه به این معنا،

۱۳۳۴ کتاب و اعلانات از دایره قانون مطبوعات خارج گشتند.

در قانون مطبوعات سال ۱۳۵۸ در تعریف مطبوعات در ماده یک چنین آمده بود: «از لحاظ قانون، مطبوعات عبارت است: نشریاتی که به طور منظم و در مواقع معین با نام ثابت و تاریخ و شماره و ردیف چاپ منتشر می شود و اخبار و اطلاعات و دیدگاه های گوناگون در زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و هنری را به آگاهی عموم می رساند و از این راه به روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح دانش در رشته خاص کمک می کند».

قید الفاظی مثل: «نشریاتی به طور منظم و در مواقع معین» در این ماده، مطبوعات را منحصر به روزنامه، مجله و نشریاتی می کرد که به طور منظم و مرتب، روزانه، هفتگی و ماهنامه، فصلنامه و سالانه منتشر می شدند. ماده اول قانون مطبوعات سال ۶۴ که هم اکنون مجری است در تعریف مطبوعات اشعار می دارد: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره و ردیف، در زمینه های گوناگون خبری، انتقادی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می شوند».

با عنایت به تعاریفی که از مطبوعات در موارد فوق، به ویژه ماده اول قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ به عمل آمد. می توان گفت:

نشریات باید، دارای خصوصیات ذیل باشند، تا مشمول قانون مطبوعات گردند:

۱. انجام تشریفات قانونی، برای کسب مجوز انتشار.
۲. انتشار به طور منظم روزانه، هفتگی، ماهنامه و... و مستمر که خصیصه اصلی نشریات است.
۳. داشتن نام ثابت مخصوص هر نشریه.

۴. تعریف جرائم مطبوعاتی
جرائم مطبوعاتی، خصوصیت ویژه ای

ندارند، بلکه فقط انتشار آن ها در مطبوعات، ویژگی عمده این جرائم و دلیل موضوعیت آنان، علت توجه خاص مقنن برای وضع قانون مطبوعات گردیده است.

اهمیت و تأثیر شگرف مطبوعات، بروی اذهان عامه و گستردگی نشر و آثار زیانباری که می تواند تخطی و تخلف مطبوعات به جای نهد، موجب شده است تا مقنن، نسبت به جرائم ارتكابی از طریق مطبوعات توجه خاص مبذول کند.

در قانون هیأت منصفه ۱۳۱۰، مقنن، جرائم مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی را تبیین کرده است. ماده دوم این قانون، در تعریف جرم

در معنای عام، مطبوعات شامل هر نوع کتاب، مقاله، جزوه و نوشته ای است که به چاپ (رسیده باشد: اما در معنای خاص، مطبوعات شامل نشریاتی است که به طور منظم و مداوم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف، در موضوعات مختلف انتشار می یابد و نیاز به مجوز خاصی دارد که با طی تشریفات خاص اعلام می گردد

مطبوعاتی مقرر می داشت: «جرمی که از طریق کتاب یا مطبوعات مرتب انتشار واقع شود، جرم مطبوعاتی است».

ماده سوم این قانون، دسته ای از جرائم ارتكابی توسط مطبوعات را جرم مطبوعاتی نمی دانست و لذا رسیدگی به این جرائم، بدون حضور هیأت منصفه صورت می گرفت.

انتشار مطالب مشتمل بر توهین یا افترا، نسبت به هریک از کنندگان ملت وزرا یا معاونین آنان، رؤسا یا معاونین آن ها یا مستخدمین دربار، مأمورین دولت یا ادارات مجلس، اعضای اتاق تجارت، اعضای انجمن های نظارت بر انتخابات و یا هیأتی از

این اشخاص، بدون ارتباط با مقام یا شغل آن ها جرم مطبوعاتی قلمداد شده بود.

در این قانون، مفهوم جرم مطبوعاتی به جرائم ارتكابی از طریق کتاب نیز توسعه داده شده و هفت فقره جرم، به عنوان جرم مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی ذکر شده بود، که با حقوق مطبوعات مورد حمایت اصل هفتاد و یک قانون اساسی مغایرت داشت.

بعدها جرائم ارتكابی به وسیله کتاب، از عداد جرائم مطبوعاتی خارج شدند.

فصل سوم از لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۴، بدون تعریف جرم مطبوعاتی، با ذکر انواع جرایم، در مقام تعیین مجازات آن ها برآمده:

ولی در فصل پنجم که اختصاص به دادرسی مطبوعاتی دارد، جرم مطبوعاتی در ماده ۳۰ به شرح زیر تعریف شده است: «جرم مطبوعاتی عبارت است از: توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام یا شغل رسمی یا رویه اداری یا سیاسی به شخص یا اشخاص...».

در این قانون بیان گردیده بود که توهین یا افترا و فحش یا ناسزا به شخص یا بستگان او جرم مطبوعاتی نیست و برطبق مقررات عمومی قانون جزا، قابل تعقیب است.

منشأ این قانون، لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۳۱ بود. مطابق این قانون، جرم

مطبوعاتی عبارت از این بود که: «در روزنامه یا مجله یا نشریه ای، مطلبی مشتمل بر اهانت یا افترا به مسئولین یا متصدیان دولتی، از لحاظ ارتباط با مقام او یا شغل آنان نسبت داده شود».

مثلاً به کارمند دولت اتهام اخذ رشوه یا اختلاس داده شود که مرتبط با شغل او بود. اگر در مطبوعات، جرائم دیگری مثل قتل

در نتیجه رانندگی یا سرقت از منزل و غیره... واقع می شد، طبق قواعد عمومی حقوق جزا، در محاکم دادگستری بدون حضور هیأت منصفه رسیدگی می شد. علت این بود که در آن سال ها در مطبوعات هرج و مرج و لجام گسیختگی فراوانی وجود داشت.

افراد بی‌صلاحیتی جواز نشریات را به‌دست آورده و روزنامه‌ها را مبدل به «روزی‌نامه» کرده بودند و از طریق فحاشی و هتاک‌های درش‌ورق‌پاره‌هایی به نام روزنامه، موجبات ارباب و اخافه‌دولتیان کم‌دولت یا غیردولتیان بی‌دولت را فراهم ساخته، از آن‌ها اخاذی نقدی و جنسی یا جوازی و منصبی می‌کردند. (۲) این بود که مقنن به فکر افتاد که اگر شخص، به مناسبت و از لحاظ شغل یا مقام اجتماعی و سیاسی خود مورد توهین و افترا قرار گرفت، جرم مطبوعاتی باشد. اما اگر در مطبوعات به شخص، بدون توجه به مقام و موقعیت او توهینی شود، جرم عادی باشد و سریعاً و بدون حضور هیأت منصفه خاخی محاکمه شود.

بنابراین، با توجه به قانون مطبوعات سال ۱۳۳۴ جرم مطبوعاتی دارای خصایص و ویژگی‌های ذیل بود:

۱. توهین یا افترا به شخص یا اشخاص (به مناسبت و از لحاظ شغل یا مقام اجتماعی یا سیاسی).
۲. نشر آن در روزنامه یا مجله علیه نشریه.
۳. احراز ارتباط آن با مقام یا شغل رسمی یا روبه‌اداری یا اجتماعی.

قانون مطبوعات ۱۳۶۴ همانند لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۵۸ مصوب شورای انقلاب، جرم مطبوعاتی را تعریف نکرده و فقط فصل ششم این قانون به جرائم و مسئولیت جزائی اختصاص یافته و به مصادیق جرائم مطبوعاتی و میزان مسئولیت کیفری اشاره شده است. به علاوه برخلاف مقنن سال ۱۳۳۴ جرم مطبوعاتی مقید به توهین و افترا آن هم در ارتباط با مقام یا شغل نگردیده و دامنه جرائم مطبوعاتی توسعه یافته است.

مصادیق جرائم مطبوعاتی در قوانین لازم‌الاتباع فعلی (قانون ۱۳۶۴ و قانون ۱۳۵۸) به شرح ذیل است:

- الف) توهین و افترا.
- ب) افشای اسرار و اسناد نظامی.
- پ) تحریک به ارتکاب جرم علیه امنیت

نشریات باید، دارای
فصوصیات ذیل باشند، تا
مشمول قانون مطبوعات
گردند:

۱. انجام تشریفات قانونی، برای کسب مجوز انتشار.
۲. انتشار به‌طور منظم (روزانه، هفتگی، ماهنامه، ... و مستمر که فصوصیه اصلی نشریات است).
۳. داشتن نام ثابت مخصوص هر نشریه.

داخلی یا خارجی کشور.

ت) اهانت به ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی.

ج) توهین به رهبر یا مراجع مسلم تقلید.

چ) نشر مطالب یا صور منافعی عفت.

ح) نشر مذاکرات غیرعلنی مجلس یا محاکم.

خ) تهدید به هتک حیثیت یا افشای سر.

د) انتشار نشریه بدون جواز.

ذ) تقلید نام یا علامت نشریه دیگر.

در مجموع با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیتی که از مطبوعات مورد نظر مقنن ارائه کردیم می‌توان گفت جرائم مطبوعاتی عبارتند از: «آن دسته از جرائمی که در قانون مطبوعات احصا شده‌اند و از طریق مطبوعات ارتکاب می‌یابند».

مبحث دوم) جرائم مطبوعاتی (جرائم علیه اشخاص)

همان‌طور که گفتیم، جرائم مطبوعاتی جرائمی هستند که به‌وسیله مطبوعات ارتکاب یافته، و خصیصه مهم آن‌ها انتشار در مطبوعات است.

لازم می‌آید ابتدا معنای «انتشار» بیان می‌گردد. انتشار در لغت، به معنی «پراکنده شدن و فاش شدن خبر» آمده است. (۳)

در عرف روزنامه‌نگاری، انتشار عبارت است از: «پخش روزنامه بین مردم و لذا در صورتی که پس از چاپ، شماره‌هایی از روزنامه

یا مجله به دست افراد قرار داده شود، عمل انتشار صورت پذیرفته است».

ممکن است گفته شود که، چون مقنن خواسته است با منع انتشار برخی مطالب، افراد از آن مطلع نشوند بنابراین، در صورت چاپ نشریه، کارکنان نشریه بر آن مطالب وقوف می‌یابند و لذا همزمان با چاپ جرم انتشار نیز محقق شده است.

اما این نظر مقبول نیست؛ زیرا افراد به سبب انتشار از مطالب و تصاویر مطلع نشده‌اند، بلکه به دلیل موقعیت شغلی خود بر آن آگاه شده‌اند.

از این رو گرچه ممکن است فرد مرتکب بنا به سایر عناوین جزائی قابل تعقیب باشد، اما جرم مطبوعاتی واقع نشده است. این جرائم وقتی محقق می‌شوند که حداقل دو شماره از مجله یا نشریه به‌دست اشخاص داده شود و آنان از محتویات نشریه یا مجله آگاه گردند.

در این فصل از جرائمی بحث خواهیم کرد که بدون علف مادی و به‌وسیله قلم واقع می‌شوند و شرافت افراد و مذهب را خدشه‌دار و مهتوک می‌سازند.

بنابراین، منظور از جرائم مطبوعاتی علیه اشخاص، جرایمی است که در اغلب موارد علیه تمامیت معنوی اشخاص واقع می‌شود.

گفتار دوم) توهین مطبوعاتی و اقسام آن

الف) تعریف توهین مطبوعاتی

قسمت اول ماده ۳۰ قانون مطبوعات

مصوب سال ۱۳۶۴ مقرر می‌دارد:

«انتشار هر نوع مطلب، مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش یا الفاظ رکیک و نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است».

واژه توهین به معنای، سست گردانیدن آمده است. توهین از ماده «وهن» به معنای سبک و خفیف گرفته شده است.

توهین در معنای عام شامل افترا نیز می‌شود، اما در معنای خاص عبارت است از:

«نسبت دادن هر امر وهن‌آور، اعم از دروغ یا راست به هر وسیله یا طریقه‌ای که باشد؛ یا

انجام دادن هر فعل یا ترک فعلی که در نظر عرف و عادت، موجب کسر شأن یا باعث تخفیف یا پست شدن طرف گردد» (۴).

پس در توهین به معنای خاص، استناد عنوان مجرمانه وجود ندارد. با توجه به مطالب فوق می‌توان توهین مطبوعاتی را این چنین بیان کرد: «انتشار هر نوع مطلبی که موجب هتک حرمت اشخاص گشته، سبب خواری و استخفاف و استهزای دیگری را فراهم آورد، توهین مطبوعاتی است».

بنابراین، فحش و الفاظ رکیک که وهن آور بوده، موجب تحقیر فرد می‌شود یا الفاظی که ظاهراً دارای این خصوصیت نیستند، اما عملاً باعث خواری شخص شوند اهانت خواهند بود. مطالب وهن آور با توجه به شخصیت و موقعیت افراد می‌تواند متفاوت باشد و بر همین اساس، مجازات توهین با توجه به موقعیت طرف مقابل متفاوت است.

در پرونده‌های مطبوعاتی، نویسندگان و صاحبان روزنامه‌ها و مجلات، نوشته‌های خود را تحت عنوان انتقاد ذکر می‌کنند و طرف مقابل، آن‌ها را هتک حیثیت به خود قلمداد می‌کند. (۵).

بدین خاطر باید بین انتقاد و توهین تفاوت قائل شد؛ چرا که انتقاد، بیان عملکرد و روش‌ها باینیت اصلاح و سازندگی، به دور از هرگونه تحقیر و تخریب شخصیت و با بیان مستدل و منطقی است؛ ولی اهانت، به منظور هجو و بدگویی و تحقیر طرف مقابل (۶) صورت می‌گیرد و موجب هتک شرف و اعتبار افراد می‌گردد.

مرز بین این دو را نمی‌توان کاملاً تفکیک کرد. این که دامنه انتقاد کجا است و در چه مرحله‌ای از حدود حق قانونی خارج می‌شود و به صورت یک توهین درمی‌آید، امری است که هیأت منصفه بنا بر ملاک‌های عرفی تشخیص می‌دهد.

هیأت منصفه به عنوان بازتاب افکار عمومی، انتقادی یا اهانت‌آمیز بودن مقالات منتشره را تعیین خواهد کرد.

عناصر مادی و معنوی توهین مطبوعاتی به شرح ذیل است:

۱. عنصر مادی

الف) وهن آور بودن مطلب؛

توهین در مطبوعات از جهات مختلف ممکن است موجب لکه‌دار شدن و هتک حیثیت افراد شود. مانند نسبت‌هایی که موجب مخدوش شدن صداقت و درستی افراد شده، شأن اجتماعی آنان را متزلزل نماید.

راست یا دروغ بودن نسبت‌های توهین‌آمیز، شرط نیست. بنابراین، برخلاف افترای مطبوعاتی، اثبات صحت مطالب و نسبت‌های توهین‌آمیز بلا اثر است.

عمده هدف مقنن، پرهیز مطبوعات از تخریب شخصیت دیگران و دور نشدن از رسالت واقعی‌شان است.

هدف این است که مطبوعات وسیله‌ای برای افراد پلید و ناپاک نباشد که با اهانت و هتک حرمت غیر، مطبوعات را وسیله‌ای برای رسیدن به اغراض و هوس خود قرار دهند.

ب) وسیله توهین

در جرائم مطبوعاتی، وسیله در تحقق جرم نقش اساسی داشته، در تحلیل رکن مادی باید

تنها تفاوت توهین و

سایر جرائم مطبوعاتی از

دیگر جرائم عمومی،

همان ارتکاب جرم

به وسیله مطبوعات است

که با توجه به وسعت

انتشار و اطلاع جمع زیادی

از مردم، باعث هتک هر چه

بیشتر متضرر از جرم

می‌شود

به آن توجه کرد.

انتشار مطلب مشتمل بر اهانت به وسیله اطلاعیه، کتاب و غیره، اگرچه جرم قابل پیگیری است، اما جرم اهانت مطبوعاتی نیست و مشمول احکام مقرر در قانون مطبوعات نخواهد بود.

تنها تفاوت توهین و سایر جرائم مطبوعاتی از دیگر جرائم عمومی، همان ارتکاب جرم به وسیله مطبوعات است که با توجه به وسعت انتشار و اطلاع جمع زیادی از مردم، باعث هتک هر چه بیشتر متضرر از جرم می‌شود.

ج) معین بودن طرف توهین؛

شرط دیگر تحقق این جرم این است که نویسنده مستقیماً یا با اشاره و کنایه، امر موهنی را به غیر نسبت دهد.

شخص هجو شده باید معین و مشخص باشد؛ یعنی خواننده با خواندن مطلب فوراً پی برد که منظور نویسنده تحقیر و تخفیف چه کسی است.

البته ضرورتی ندارد شخص هجو شده از مفاد آن مطلع گردد، بلکه تا جرم کامل شود. به محض انتشار مطلب مشتمل بر توهین جرم ارتکاب یافته است.

طرف توهین وفق بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات سال ۶۴۳۰ مواد ۳۰ و ۲۳ اعم است از اشخاص حقیقی و حقوقی. بنابراین، در صورت انتشار مطلب اهانت‌آمیز در مطبوعات نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی، بزه اهانت مطبوعات محقق می‌شود.

قانون سال ۱۳۶۴ فقط توهین نسبت به اشخاص حقیقی را طی شرایطی جرم مطبوعاتی می‌داند. در حال حاضر به نظر می‌رسد اگر از خلال توهین به یک شخص حقوقی استنباط شود که هدف شخص معینی از آن مجموعه یا شرکت است، عمل قابل مجازات است. بنابراین، صرف تحقیر و استخفاف یک شخص حقوقی از طریق مطبوعات نمی‌تواند جرم توهین مطبوعاتی باشد.

۲. عنصر معنوی

توهین از جمله جرائم عمدی است و بنابراین، مرتکب باید عالم به توهین‌آمیز بودن نسبت‌های داده‌شده باشد. در این جرم، سوءنیت مرتکب مفروض است و نیازی به اثبات ندارد؛ چرا که نوع کلمات و نوشتجات توهین‌آمیز حاکی از سوءنیت مرتکب است. اما در هر حال، اثبات خلاف آن از سوی متهم ممکن است. بنابراین، اصولاً صرف انتشار مطالب موهن در مطبوعات و استعمال مطالب وهن‌آور، اعم از صحیح و سقیم در مورد اشخاص، توهین مطبوعاتی است.

«بنابراین، استدلال و عدم وجود سابقه خصومت و کدورت بین طرفین یا اعتقاد متهم به صحیح بودن اعمال انتسابی، کافی از برای منزحل ساختن فرض سوءنیت نمی‌باشد» (۶).

۳. مجازات

ماده ۳۰ قانون مطبوعات، مانند سایر مواد این قانون، برای توهین مطبوعاتی تعیین مجازات و مسئولیت کیفری دقیق نکرده است. اگر قرار بود مجازات جرائم مطبوعاتی نیز همان مجازات مقرر در قوانین تعزیرات یا قوانین دیگر باشد، تعیین جرائم مطبوعاتی ضرورتی نداشت. از سوی دیگر، افراد ترجیح می‌دهند جرائم خود را از طریق مطبوعات انجام دهند تا هم بهتر به مقصود خود برسند و هم عده بسیار زیادی از محتوای مجرمانه آن‌ها مطلع شوند.

اصولاً هرگاه مرتکب با سهولت بیشتری بتواند عمل مجرمانه خود را انجام دهد و از وسایلی مثل مطبوعات استفاده کند تا شعاع جرم او بیش از پیش توسعه یابد، باید مجازاتش نسبت به ارتکاب همین جرائم از طرق دیگر بیشتر باشد.

متأسفانه قانون مطبوعات ۱۳۶۴ برخلاف قوانین مطبوعاتی قبل، نه فقط برای جرائم مطبوعاتی تعیین مجازات نکرده، بلکه مجازات‌ها را به قانون تعزیرات و نظر حاکم شرع احاله داده است.

بنابراین، در توهین مطبوعاتی باتوجه به

ماده ۳۰ قانون مطبوعات، برای تعیین مجازات باید بر حسب مورد به مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ رجوع کرد.

ماده ۷۰۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ توهینی را قابل مجازات می‌داند که به صورت استهزا در قالب نظم یا نثر باشد که مجازات مرتکب حبس از یک تا شش ماه است. این حکم نسبت به ماده ۱۴۳ قانون تعزیرات ۱۳۶۴ که مجازات مذکور در آن فقط تا ۷۴ ضربه شلاق بود، شدیدتر شده است.

بنابراین، گرچه بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، ترسیم کاریکاتور افراد را در مطبوعات منع می‌کند، اما نه قانون مطبوعات و نه قوانین دیگر، آن را جرم ندانسته و برای آن تعیین مجازات نشده و فاقد وصف جزائی است.

ب) توهین به اشخاص عادی

در فصل ششم از قانون مطبوعات، به مواردی از اقسام توهین به اعتبار شخصیت و مقام طرف توهین برخورد می‌کنیم. همچنین توهین ممکن است نسبت به مذهب صورت گیرد. باتوجه به قانون مطبوعات به بررسی اقسام توهین مطبوعاتی می‌پردازیم.

ماده ۳۰ قانون مطبوعات، توهین به اشخاص عادی را از طریق مطبوعات جرم مطبوعاتی می‌داند. این در حالی است که قانون مطبوعات سال ۱۳۳۴ توهین به اشخاص عادی را جرم جنحه‌ای و قابل رسیدگی، بدون حضور هیأت منصفه می‌دانست.

پ) توهین به مقامات دولتی

همان‌گونه که گذشت، قانون مطبوعات ۱۳۳۴ جرم مطبوعاتی را اهانت به افراد و اشخاص از لحاظ ارتباط با مقام یا شغل رسمی یا رویه اداری یا اجتماعی یا سیاسی آن‌ها می‌دانست؛ اما قانون مطبوعات ۱۳۶۴ صریحاً توهین به مقامات و کارمندان دولت را جرم نمی‌داند.

تنها می‌توان گفت که اطلاق کلمه

اشخاص در ماده ۳۰ قانون مطبوعات، شامل حال کارکنان دولتی نیز می‌شود.

توهین به یک مسئول دولتی با بدگویی و ناسزا به یک فرد عادی تفاوت دارد؛ زیرا هتک احترام یک شخصیت رسمی به مناسبت کار او، مضر به حال اجتماع بوده و باعث جرمه‌دار شدن هرچه بیشتر نظم عمومی است و در صورتی که عکس‌العمل قانونی نداشته باشد، آن مرجع تضعیف خواهد گشت. (۷) مثلاً اگر قاضی شهری مورد اتهام ناروا قرار گیرد، چگونه در آن دادگستری شهر می‌تواند انجام وظیفه نماید؟

علت اهمیت دادن به مستخدمان دولتی همان است که قدرت اداری آنان با توهین تخفیف خواهد یافت. مستخدمان دولتی نیز از افراد مردم هستند و بنابراین، توهین به آنان مثل توهین به سایر اقشار مردم شایسته مجازات است.

اما اگر شرایط ذیل وجود داشته باشد، مجازات یا مسئولیت کیفری مرتکب بنا به ماده ۶۰۹ حبس از سه ماه تا شش ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

این جرم با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۱۲ - ۱۳۶۴/۳/۲۰ غیرقابل گذشت اعلام شده بود.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها

۱. لغتنامه دهخدا.
۲. ابراهیم یاد، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۲، جلد اول، صص ۳، ۴.
۳. لغتنامه دهخدا.
۴. ابراهیم یاد، حقوق کیفری اختصاصی، صص ۳۷۳.
۵. پورطباطبایی، جرائم مطبوعاتی، حقوق امروز، سال اول، ش ۱، سال ۱۳۴۱، صص ۶.
۶. ابراهیم یاد، حقوق کیفری اختصاصی، صص ۳۸.
۷. منوچهر کبیر، بحث جرائم بر ضد شرافت از نظر حقوق مادی، مجله کانون وکلا، سال دوازدهم، ش ۷۴، سال ۱۳۳۹، صص ۷۸.